



سایکومتریت روانشنجی و روانشناسی

۱۴۰۱/۱۲/۰۴

تست ام ام پی آی ۲ (MMPI-۲)

کد تست:

نام:

جنسیت: زن

سن: ۴۶ سال

اعتبارسنجی:

دروغ سنجی (L):

احتمال دارد که به ماده‌های آزمون با صداقت پاسخ نداده و کوشیده باشد، به صورت فردی بسیار شریف و سازگار جلوه کند. در این صورت نیمرخ به دست آمده با احتیاط تفسیر می‌شود. این نیمرخ می‌تواند گویای آن باشد که در پاسخ‌دهی، گرایش به "نه گفتن" وجود دارد. ممکن است خواسته باشد چهره‌ای مثبت از خود نشان دهد و دشواری‌های روانشناختی و رفتاری خود را کم‌رنگ‌تر کند.

دفاعی (K):

در امر پاسخگویی به آزمون ممکن از دفاعی تر از میانگین افراد عمل کرده باشد. هر چه این نمره بالاتر باشد احتمال اینکه آزمودنی از نظر بالینی دفاعی برخورد کرده باشد بیشتر است. از این رو اعتبار آزمون مورد تردید است.

خودنمایی بیش از حد (S):

احتمال دارد که با رویکرد دفاعی پاسخ داده شده باشد.

تفسیر:

خود بیمار انگاری (Hs):

ممکن است این افراد خود را دارای مشکلات جسمانی به‌شمار آورند. به نظر می‌رسد نسبت به تغییرات بدنی خود و دگرگونی‌های محیط پیرامون خود حساسیت غیرعادی دارند. حتی در کسانی که از سازگاری خوبی برخوردارند، فشار روانی ممکن است این ویژگی‌ها را به تحریک‌پذیری گذرا، وابستگی و اشتغال ذهنی در زمینه کارکردهای بدنی تبدیل کند؛ از این رو شکایت‌های جسمی مهم و نامشخص دارند. این مشکلات می‌توانند دربرگیرنده درد مزمن، سردرد و ناراحتی‌های دستگاه گوارش باشد. بی‌بنیگی، خستگی زیاد و اختلال خواب از دیگر شکایت‌های آنان است. احتمال دارد که از مشکلات بدنی خود برای تحت تاثیر قرار دادن دیگران، فرار از مسئولیت و برآوردن نیازهای وابستگی بهره‌برداری کنند. درون‌گرا هستند. تفکر وسواسی و رفتار اجباری دارند. اعتماد به نفس ندارند. خودانتقادگر، بدون شوق و شور و اشتیاق و ناراحت در ابراز کلامی توصیف می‌شوند. کمال‌گرا و باوجدان هستند. اغلب می‌نالند. خودشان را بیمار بدنی می‌دانند و درصدد تبیین و درمان پزشکی نشانه‌هایشان هستند. همواره در پی پزشکان و ممکن است پزشکان را یکی پس از دیگری و یا چندپزشک را در یک زمان ببینند. درباره علل بیماری‌های بدنی خود بینشی ندارند. خودخواه، خودمحور و خودشیفته به نظر می‌رسند. خصومت خود را به صورت غیرمستقیم نشان می‌دهند. دیگران آنها را کم‌رو، محجوب، و رشد نیافته توصیف می‌کنند.

هیستری (Hy):

طرد شدن از سوی افرادی که دارندگان این نیمرخ به آنها علاقه دارند بسیار دردناک است. تنها راه رویارویی با این درد را انکار آن می‌دانند. از مکانیسم دفاعی واپس‌رانی بهره می‌گیرند. زنان دارنده این نیمرخ را دیگران افرادی تحریک‌پذیر و دارای شکوه‌های بدنی فراوان توصیف می‌کنند. آنان با شکوه‌های بدنی و مردان با سرکشی و تمرد یا کینه‌توزی پنهان واکنش نشان می‌دهند. غالباً در زمینه شکست تحصیلی، مشکلات با مقام‌های قدرت و پذیرفته نشدن توسط گروه اجتماعی نگرانی دارند.

انحراف روانی اجتماعی (Pd):

افرادی پرحرف، ماجراجو، پرانرژی و خود انگیزه هستند. دامنه علایق‌شان گسترده است و ممکن است در بسیاری از فعالیت‌ها شرکت کنند، اما هدف مشخصی ندارند. به خشم و درگیری با دیگران گرایش دارند. این درگیری بیشتر به صورت نهفته است تا آشکار. ممکن است دارای یک بحران موقعیتی مانند اختلافات زناشویی باشند. بیشتر آنها نمی‌توانند از تجارب خوب یا بد خود پند بگیرند. این افراد ممکن است در رابطه خود با مقام‌های قدرت مشکل واقعی نداشته باشند، بلکه با کسانی نشست و برخاست کنند که با مقام‌های قدرت مشکل دارند. افرادی تکانشی و جامعه‌ستیز و علیه قوانین اجتماعی هستند. در برابر ناکامی تحمل کمی دارند.

در برخوردهای اولیه تاثیر خوبی در دیگران برجای می‌گذارند، اما پس از آشنایی طولانی‌تر، ناپایایی و خودمحوری آنان آشکار می‌شود. همسران این افراد آنها را افرادی دمدمی، تحریک‌پذیر، نامطبوع و خواهان توجه توصیف می‌کنند. زنان دارای این نیمرخ به آسانی برآشفته می‌شوند، پرخاشجو و حسود هستند، کنار آمدن با آنها دشوار است.

مردانگی - زنانگی (Mf):

زنان دارای این نیمرخ معمولاً دوست ندارند به عنوان زن تلقی شوند. آنان ممکن است بیشتر علایق مردانه داشته باشند و مایل نباشند همانند زنان دیگر ظاهر شوند یا رفتار کنند. دوست دارند خود را فردی بی‌همتا و متفاوت از زنان به طور عام به‌شمار آورند. از ورزش و فعالیت‌های فضای باز لذت می‌برند. شغل‌های مکانیکی، محاسباتی و علمی را ترجیح می‌دهند و با مشاغلی که با ادبیات سروکار دارند، میانه‌ای ندارند. احتمال بروز رفتار پرخاشگرانه در آنان هست.

پسیکاستنی (ضعف روانی) (Pt):

احساس می‌کنند آنچه را که امروز باید انجام دهند، نباید به فردا موکول کنند، زیرا در غیر این صورت پیامد شومی برای آنها خواهد داشت. ممکن است براین باور باشند که نباید از آزار رساندن به دیگران بترسند. افراد بهنجار دارنده این نیمرخ، توانایی سازمان‌دهی و پیروی از نظم و قانون را دارند. این نیمرخ در میان شیمی‌دانان، نجاران، آموزگاران علوم و ریاضی و بانکداران رایج است. گرایش به خوردن مقدار زیاد غذا در مدت کوتاه دارند. از این‌رو بسیاری از آنان وزن زیادی ممکن است داشته باشند.

اسکیزوفرنی (Sc):

اگر کارکرد اجتماعی و شغلی خوبی داشته باشند، افرادی خودانگیزه و موفق هستند. ممکن است تا اندازه‌ای متفاوت از دیگران ببانند. اما سبک تفکر آنان به گونه‌ای نیست که سبب قطع ارتباط فکری آنان با سایرین شود. غالباً دانشجویان و افرادی که به‌خوبی سازش یافته‌اند، اما با خودشان درگیری دارند و یا دچار تعارض‌های درونی هستند، در این گروه جای می‌گیرند. ممکن است تا اندازه‌ای نوآوری داشته باشند. می‌توانند افکار و احساسات نیمه‌هوشیاری را که شاید برای دیگران ترسناک باشند، در چارچوبی جدید و قابل استفاده جلوه‌گر سازند. ممکن است فشار روانی، ویژگی‌های مثبت ایشان را به رفتارهای عجیب و نامتعارف تبدیل کند.

مانیا (شیدایی) (Ma):

ممکن است دارای میزان متوسطی از انرژی باشند. انرژی آنان برای پرداختن به فعالیت‌های عادی شغلی و تفریحی کافی است.

درونگرایی اجتماعی (Si):

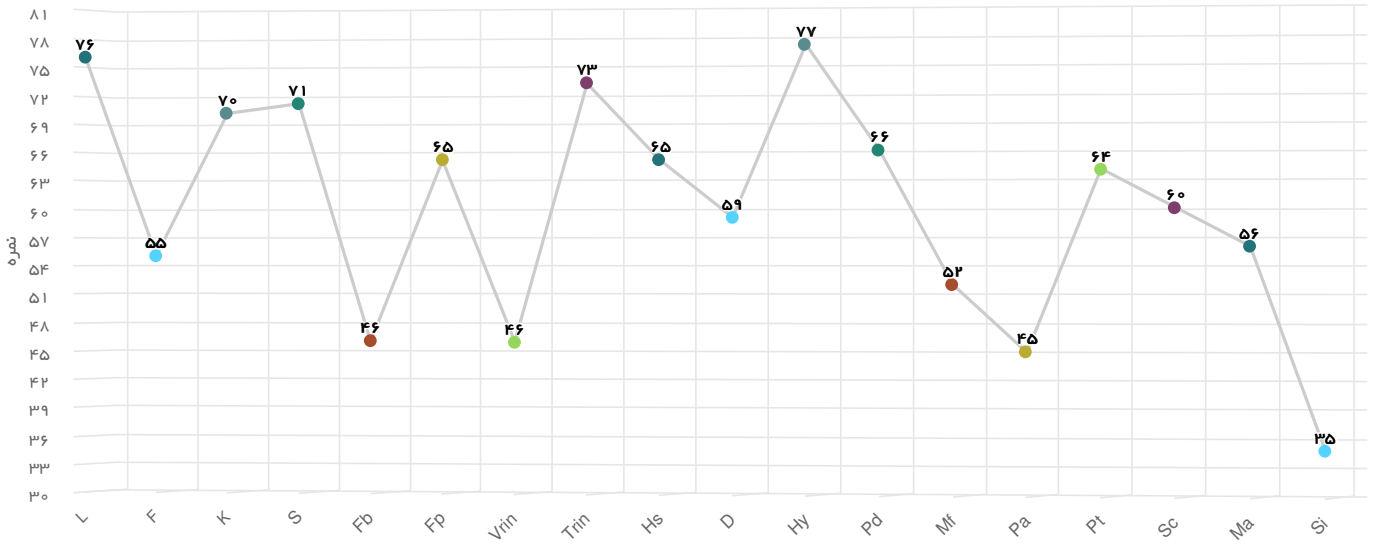
اجتماعی و برون‌گرا هستند. خونگرم، معاشرتی، دوست داشتنی و پرحرف هستند. به جای تنها بودن با مردم را ترجیح می‌دهند. آنان معمولاً از مهارت‌های اجتماعی برخوردارند و با مردم در ارتباط هستند. هنگام روبه‌رو شدن با مشکلات روانشناختی، تماس خود را با جهان حفظ می‌کنند. در موقعیت‌های اجتماعی و گروهی، استوار و به خود مطمئن هستند. پرانرژی، شاداب و فعال هستند. دوست دارند در دید دیگران باشند و خودنمایی کنند.

نمرات

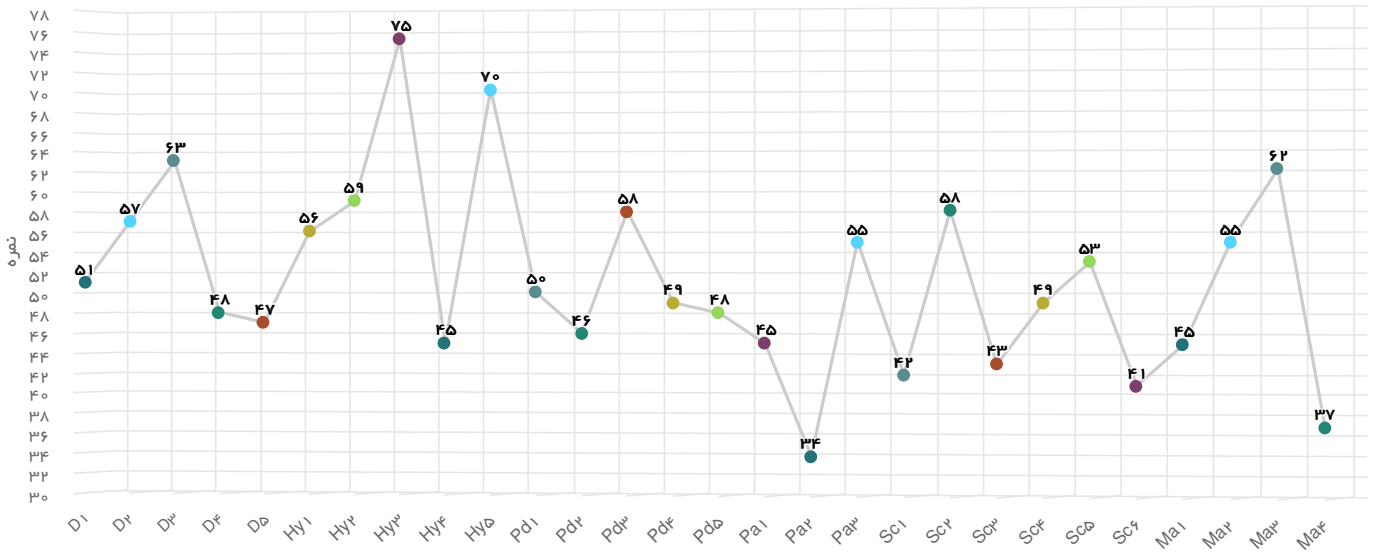
مقیاس	عنوان	عنوان انگلیسی	نمره خام	نمره خام + K	نمره تراز (T)
L	دروغ سنجی	Lie	۹	۹	۷۶
F	نابسامدی	Infrequency	۵	۵	۵۵
K	دفاعی	Defensiveness	۲۴	۲۴	۷۰
S	خودنمایی بیش از حد	Superlative Self-Presentation	۴۳	۴۳	۷۱
Fb	مبالغه در نشانه ها و وانمود بد	F Back	۱	۱	۴۶
Fp	آسیب شناسی روانی	F-Psychopathology	۳	۳	۶۵
Vrin	ناهمسانی پاسخ معتبر یا پاسخ دهی تصادفی	Variable Response Inconsistency	۴	۴	۴۶
Trin	ناهمسانی پاسخ درست	True Response Inconsistency	۶	۶	۷۳
Hs	خود بیمار انگاری	Hypochondriasis	۸	۲۰	۶۵
D	افسردگی	Depression	۲۵	۲۵	۵۹
Hy	هیستری	Hysteria	۳۴	۳۴	۷۷
Pd	انحراف روانی اجتماعی	Psychopathic Deviate	۱۹	۲۹	۶۶
Mf	مردانگی - زنانگی	Masculinity/Femininity	۳۵	۳۵	۵۲
Pa	پارانویا (میزان اعتماد یا بی اعتمادی)	Paranoia	۹	۹	۴۵
Pt	پسیکاستنی (ضعف روانی)	Psychasthenia	۱۱	۳۵	۶۴
Sc	اسکیزوفرنی	Schizophrenia	۸	۳۲	۶۰
Ma	مانیا (شیدایی)	Hypomania	۱۷	۲۲	۵۶
Si	درونگرایی اجتماعی	Social Introversion	۱۴	۱۴	۳۵

نمودار

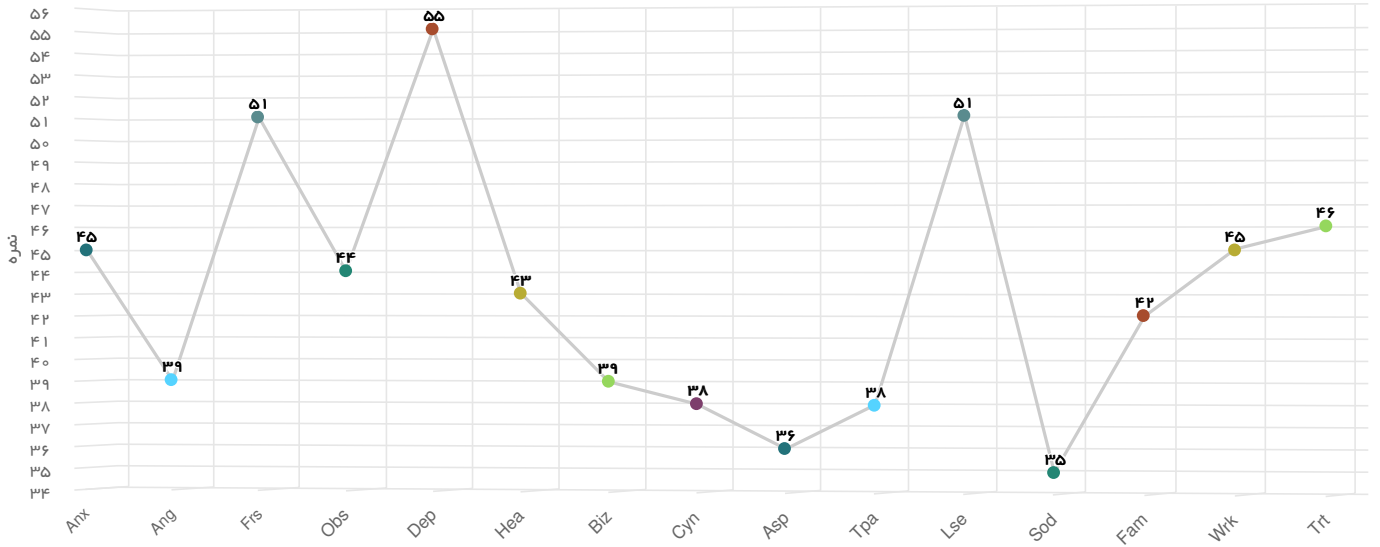
تست ام ام پی آی ۲ (MMPI-۲)



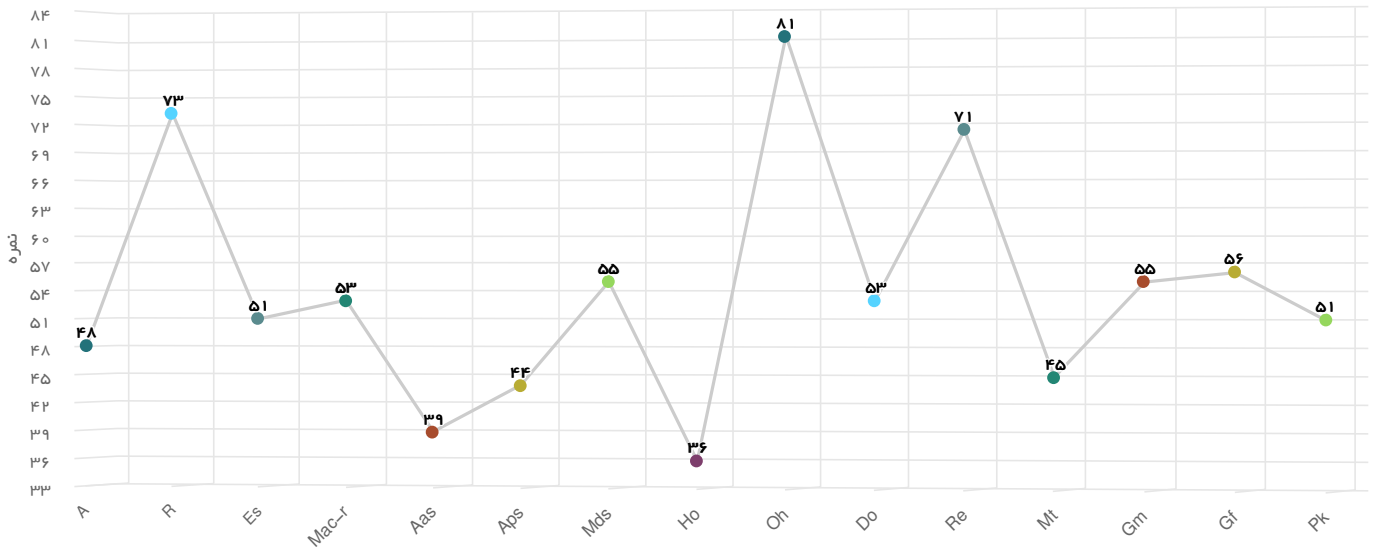
نمودار هریس لینگوس



نمودار محتوایی



نمودار تکمیلی



پاسخنامه

خیبر	۱ - مجله های فنی را دوست دارم؟
بله	۲ - اشتهاى خوبى دارم؟
خیبر	۳ - بیشتر صبحها سر حال و با نشاط از خواب بر مى خیزم؟
خیبر	۴ - کار کتابداری را دوست دارم؟
بله	۵ - با کوچکتريں صدایی از خواب بيدار مى شوم؟
بله	۶ - پدرم مرد خوبی است ، يا (اگر پدرتان مرده است) پدرم مرد خوبی بود؟
	۷ - خواندن بخش حوادث روزنامه ها را دوست دارم؟
	۸ - معمولاً" حرارت دست و پايه در حد طبيعى است؟
	۹ - زندگى روزانه من پر از چیزهایی است که برايم جالبند؟
	۱۰ - تقريباً" به اندازه سابق قادر به کار کردن هستم؟
	۱۱ - اغلب اوقات احساس مى کنم چیزی گلويم را گرفته است؟
	۱۲ - از زندگى جنسى ام راضى هستم؟
	۱۳ - مردم بايد سعى کنند خوابهای خود را تعبير کرده و به آنها عمل کنند؟
	۱۴ - از داستانهای پلیسى و اسرارآمیز خوشم مى آید؟
	۱۵ - در محیط کارم فشار و ناراحتی زيادى احساس مى کنم؟
	۱۶ - گاهی اوقات فکرهايم آنقدر بد هستند که نمى توانم درباره آنها با کسى حرف بزنم؟
	۱۷ - معتقدم که زندگى با من خوب رفتار نکرده است؟
	۱۸ - تهوع و استفراغ آزارم مى دهد؟
	۱۹ - دوست دارم بفهمم ديگران درباره من چه فکر مى کنند؟
	۲۰ - خیلی کم دچار يبوست مى شوم؟
	۲۱ - گاهی اوقات خیلی دلم مى خواهد از خانه فرار کنم؟
	۲۲ - فکر مى کنم هيچکس مرا درک نمى کند؟
	۲۳ - گاهی اوقات طوری به گريه يا خنده مى افتم که نمى توانم جلوى آن را بگیرم؟
	۲۴ - گاهی اوقات ارواح شیطانى مرا تسخير مى کنند؟
	۲۵ - دوست دارم یک خواننده باشم؟
	۲۶ - وقتی به دردمر مى افتم ، بهترين کار برايم اين است که ساکت بمانم؟
	۲۷ - معتقدم که بايد جواب بدى را با بدى داد؟
	۲۸ - هفته ای چند بار ناراحتی معده اذيتم مى کند؟
	۲۹ - گاهی اوقات دلم مى خواهد فحش بدهم؟
	۳۰ - هرچند شب یک بار خوابهای وحشتناک مى بينم؟

۳۱ - برایم مشکل است که حواسم را روی یک کار متمرکز کنم؟

۳۲ - تجربه ها و احساسهای عجیب و غریب خاصی داشته ام؟

۳۳ - خیلی کم نگران سلامتیام می شوم؟

۳۴ - به خاطر رفتار جنسی ام هیچگاه به دردرس نیفتاده ام؟

۳۵ - در گذشته گاهی چیزهایی دزدیده ام؟

۳۶ - اغلب اوقات سرفه می کنم؟

۳۷ - گاهی دلم میخواهد چیزهایی را بشکنم؟

۳۸ - گاهی روزها ، هفته ها ، یا ماهها بوده که دست و دلم به کاری نمی رفته است؟

۳۹ - خوابم نامنظم و آشفته است؟

۴۰ - بیشتر اوقات سردرد کلافه ام می کند؟

۴۱ - گاهی دروغ می گویم؟

۴۲ - اگر دیگران سرم کلاه نگذاشته بودند ، موفق تر بودم؟

۴۳ - قدرت قضاوت من بهتر از گذشته است؟

۴۴ - هفته ای یک یا چند بار ، بدون هیچ علتی ، ناگهان بدنم داغ می شود؟

۴۵ - در حال حاضر وضع سلامتیام مثل بیشتر دوستانم خوب است؟

۴۶ - معمولا " هنگام دیدن دوستان سابقم اظهار آشنایی نمی کنم ، مگر این که آنها پیشقدم شوند؟

۴۷ - تقریبا " هیچ وقت در قلب یا قفسه سینه ام دردی نداشته ام؟

۴۸ - بیشتر به جای پرداختن به کارهایم خیالبافی می کنم؟

۴۹ - من فردی بسیار اجتماعی هستم؟

۵۰ - اغلب مجبور بوده ام از کسانی اطاعت کنم که به اندازه من نمی فهمیدند؟

۵۱ - بعضی از مطالبی را که در مدرسه خوانده ام به خاطر ندارم؟

۵۲ - من زندگی درستی نداشته ام؟

۵۳ - اغلب در قسمتهایی از بدنم احساس سوزش ، مور مور شدن ، یا خواب رفتگی می کنم؟

۵۴ - خانواده ام با شغلی که دارم ، یا می خواهم انتخاب کنم موافق نیستند؟

۵۵ - گاهی آن قدر روی چیزی پافشاری می کنم که دیگران تحمل خود را از دست می دهند؟

۵۶ - کمتر از دیگران احساس خوشحالی می کنم؟

۵۷ - معمولا " در پشت گردنم احساس درد می کنم؟

۵۸ - فکر می کنم اغلب مردم برای جلب کمک و همدردی دیگران بدبختیهای خود را بزرگتر جلوه می دهند؟

۵۹ - هرچند روز یک بار در قسمت بالای معده ام احساس ناراحتی می کنم؟

۶۰ - وقتی با دیگران هستم شنیدن چیزهای خیلی عجیب آرام می دهد؟

۶۱ - من آدم مهمی هستم؟

۶۲ - اغلب آرزو کرده ام کاش یک دختر بودم ، یا (اگر دختر هستید) هرگز از این که یک دختر هستم متاسف نبوده ام؟

۶۳ - آدم زود رنجی نیستم؟

۶۴ - از خواندن داستانهای عاشقانه خوشم می آید؟

۶۵ - اکثر اوقات احساس غمگینی می کنم؟

۶۶ - اگر اکثر قوانین دور ریخته می شد ، بهتر بود؟

۶۷ - شعر را دوست دارم؟

۶۸ - گاهی حیوانات را اذیت می کنم؟

۶۹ - فکر می کنم از کاری مثل جنگلبانی خوشم بیاید؟

۷۰ - در بحث با دیگران به آسانی شکست می خورم؟

۷۱ - این روزها دارم از رسیدن به هدفهایم نا امید می شوم؟

۷۲ - گاهی احساس می کنم روحم از بدنم جدا شده و به پرواز در می آید؟

۷۳ - واقعا" اعتماد به نفس ندارم؟

۷۴ - دوست دارم یک گل فروش باشم؟

۷۵ - معمولا" احساس می کنم زندگی با ارزش است؟

۷۶ - بیشتر مردم فقط با جر و بحث فراوان حقیقت را می پذیرند؟

۷۷ - هر چند وقت یکبار ، کار امروز را به فردا موکول می کنم؟

۷۸ - بیشتر افرادی که مرا می شناسند ، دوستم دارند؟

۷۹ - اهمیتی نمی دهم که مورد تمسخر دیگران واقع شوم؟

۸۰ - دوست دارم پرستار باشم؟

۸۱ - بیشتر مردم برای این که پیشرفت کنند دروغ می گویند؟

۸۲ - کارهای زیادی انجام می دهم که بعدا" از انجام آنها پشیمان می شوم" (من بیش از دیگران پشیمان می شوم)؟

۸۳ - خیلی کم با افراد خانواده ام دعوا می کنم؟

۸۴ - یک یا چند بار به علت رفتار بد از مدرسه اخراج شده ام؟

۸۵ - گاهی دلم می خواهد کارهای خطرناک و دلهره آور انجام دهم؟

۸۶ - میهمانی ها و کارهایی را که پر از شادی و سروصدا است دوست دارم؟

۸۷ - در زندگی مشکلاتی داشته ام که به دلیل پیچیدگی زیادشان قادر به تصمیم گیری درباره آنها نبوده ام؟

۸۸ - معتقدم که زنها باید به اندازه مردها آزادی جنسی داشته باشند؟

۸۹ - بیشترین گرفتاری و درگیری من با خودم است؟

۹۰ - من پدرم را دوست دارم ، (یا اگر پدرتان مرده است) من پدرم را دوست داشتم؟

۹۱ - خیلی کم دچار کشیدگی یا پرش عضلات می شوم؟

۹۲ - برایم مهم نیست که چه بر سرم بیاید؟

۹۳ - گاهی اوقات ، وقتی حالم خوب نیست ، بد اخلاق می شوم؟

۹۴ - اغلب اوقات احساس می کنم یک کار غلط یا بد انجام داده ام؟

۹۵ - اغلب اوقات خوشحال هستم؟

۹۶ - حیوانات ، افراد ، یا چیزهایی را در اطراف خود می بینم که دیگران نمی بینند؟

۹۷ - اغلب اوقات احساس می کنم که بینی ام گرفته و سرم سنگین است؟

۹۸ - بعضی ها آن قدر امر و نهی می کنند که حتی وقتی حق با آنها است ، دلم می خواهد بر خلاف خواست آنها رفتار کنم؟

۹۹ - کسی به من حقه زده است؟

۱۰۰ - هیچ وقت کار خطرناکی را به خاطر مهیج بودن آن انجام نداده ام؟

۱۰۱ - اغلب احساس می کنم نوار محکمی به دور سرم بسته شده است؟

۱۰۲ - گاهی عصبانی می شوم؟

۱۰۳ - اگر روی یک مسابقه یا بازی شرط بندی کنم ، از آن بیشتر لذت می برم؟

۱۰۴ - بیشتر مردم به این دلیل صداقت و درستی نشان می دهند که می ترسند گرفتار شوند؟

۱۰۵ - گاهی در مدرسه به علت رفتار بدم پیش مدیر فرستاده شده ام؟

۱۰۶ - حرف زدن من مثل همیشه است (یعنی ، تندتر ، آهسته تر ، درهم و برهم یا گرفته تر از قبل نیست)؟

۱۰۷ - در خانه آداب غذا خوردن را بهتر رعایت می کنم ، تا در بیرون از خانه؟

۱۰۸ - کسانی که قادر به سخت کارکردن باشند ، شانس بیشتری برای موفقیت دارند؟

۱۰۹ - فکر می کنم به اندازه اطرافیانم ، با استعداد و زرنگ هستم؟

۱۱۰ - اغلب مردم حاضرند حتی از راههای غیر عادلانه به منافع و مزایایی برسند؟

۱۱۱ - معده ام خیلی ناراحتم می کند؟

۱۱۲ - تئاتر و نمایش را دوست دارم؟

۱۱۳ - می دانم چه کسی مسئول تمام مشکلاتم است؟

۱۱۴ - گاهی وسایل شخصی دیگران ، مثل کفش و دستکش به قدری توجهم را جلب می کند که دوست دارم به آنها دست بزنم یا آنها را بدزدم، حتی اگر بدردم نخورد؟

۱۱۵ - دیدن خون باعث وحشت یا بهم خوردن حالم نمی شود؟

۱۱۶ - اغلب اوقات زود رنج و بد اخلاق هستم ، ولی علتش را نمی دانم؟

۱۱۷ - هرگز استفراغ و سرفه همراه با خون نداشته ام؟

۱۱۸ - نگران مریض شدن نیستم؟

۱۱۹ - جمع آوری گلها یا پرورش گیاهان خانگی را دوست دارم؟

۱۲۰ - معمولا" از آنچه به نظرم درست می رسد ، به شدت دفاع می کنم؟

۱۲۱ - هرگز به اعمال جنسی ناپسند دست نزده ام؟

۱۲۲ - گاهی افکارم به قدری سریع بوده که نتوانسته ام آنها را بر زبان آورم؟

۱۲۳ - اگر اطمینان داشتم که کسی متوجه نخواهد شد ، بدون خریدن بلیط ، وارد سینما می شدم؟

۱۲۴ - اغلب وقتی کسی کار خوبی در حق من انجام می دهد ، از خود می پرسم که از این کار چه هدفی داشته است؟

۱۲۵ - معتقدم که زندگی خانوادگی من به خوبی زندگی اغلب کسانی است که می شناسم؟

۱۲۶ - معتقدم که قانون باید با قاطعیت اجرا شود؟

۱۲۷ - از انتقاد یا سرزنش به شدت می رنجم؟

۱۲۸ - آشنایی را دوست دارم؟

۱۲۹ - رفتار اطرافیانم تاثیر زیادی بر رفتار من دارد؟

۱۳۰ - گاهی واقعا " احساس می کنم آدم بی مصرفی هستم؟

۱۳۱ - در کودکی عضو گروهی از دوستانم بودم که سعی می کردند در تمام مشکلات به همدیگر وفادار باشند؟

۱۳۲ - به زندگی پس از مرگ معتقدم؟

۱۳۳ - دوست داشتم یک سرباز باشم؟

۱۳۴ - گاهی دوست دارم با کسی دعوا و کتک کاری کنم؟

۱۳۵ - اغلب به این دلیل که دیر تصمیم می گیرم ، خیلی چیزها را از دست می دهم؟

۱۳۶ - وقتی در حال انجام کار مهمی هستم، اگر کسی از من راهنمایی بخواهد یا مزاحم شود، عصبانی می شوم؟

۱۳۷ - زمانی خاطرات روزانه ام را می نوشتم؟

۱۳۸ - معتقدم علیه من توطئه چینی می شود؟

۱۳۹ - ترجیح می دهم در بازی برنده باشم تا بازنده؟

۱۴۰ - اغلب شبها بدون این که افکار یا خیالاتی ناراحت کننده ، به خواب می روم؟

۱۴۱ - در طی چند سال گذشته ، اکثر اوقات حالم خوب بوده است؟

۱۴۲ - هرگز دچار غش یا تشنج نشده ام؟

۱۴۳ - وزنم کم و زیاد نمی شود؟

۱۴۴ - فکر می کنم کسانی مرا تعقیب می کنند؟

۱۴۵ - احساس می کنم اغلب بی دلیل مجازات شده ام؟

۱۴۶ - به آسانی به گریه می افتم؟

۱۴۷ - چیزهایی را که می خوانم به خوبی گذشته نمی فهمم؟

۱۴۸ - در طول زندگی ، هرگز حالم بهتر از الان نبوده است؟

۱۴۹ - گاهی احساس می کنم به بیماری خطرناکی مبتلا شده ام؟

۱۵۰ - گاهی احساس می کنم که باید به خودم یا کس دیگری صدمه بزنم؟

۱۵۱ - خوشم نمی آید قبول کنم کسی زیرکانه سرم را کلاه گذاشته است؟

۱۵۲ - زود خسته نمی شوم؟

۱۵۳ - دوست دارم برخی از افراد مهم را بشناسم ، چون این کار باعث می شود احساس کنم مهم هستم؟

۱۵۴ - وقتی از یک جای بلند به پایین نگاه می کنم ، می ترسم؟

۱۵۵ - اگر یکی از افراد خانواده ام با قانون درگیر شود ، عصبی نمی شوم؟

۱۵۶ - فقط مواقعی که به مسافرت یا گردش می روم ، خوشحال هستم؟

۱۵۷ - برایم مهم نیست که دیگران درباره ام چه فکر می کنند؟

۱۵۸ - دوست ندارم در میهمانیها دست به شیرین کاری بزنم ، حتی اگر دیگران نیز چیزی شبیه آن را انجام دهند؟

۱۵۹ - هیچ وقت غش نکرده ام؟

۱۶۰ - مدرسه را دوست داشتم؟

۱۶۱ - خجالتی هستم ، و همیشه مجبورم کاری کنم که دیگران متوجه این موضوع نشوند؟

۱۶۲ - کسی سعی می کند مرا مسموم کند؟

۱۶۳ - ترس شدیدی از مارها ندارم؟

۱۶۴ - هیچ وقت دچار سرگیجه نشده ام ، یا خیلی کم سرگیجه داشته ام؟

۱۶۵ - فکر می کنم که حافظه ام خوب است؟

۱۶۶ - مسائل جنسی فکرم را آزار می دهد؟

۱۶۷ - گفتگو با غریبه ها برایم مشکل است؟

۱۶۸ - آشنایانم می گویند در مواقعی کارهایی می کنم که بعداً " نمی توانم آنها را به خاطر بیاورم؟

۱۶۹ - وقتی خسته می شوم دوست دارم دست به کاری هیجان آور بزنم؟

۱۷۰ - می ترسم عقلم را از دست بدهم؟

۱۷۱ - با پول دادن به گداها مخالفم؟

۱۷۲ - بارها متوجه شده ام که وقتی سرگرم انجام کاری هستم ، دستم می لرزد؟

۱۷۳ - می توانم مدتی طولانی مطالعه کنم ، بدون این که چشمم خسته شود؟

۱۷۴ - مطالعه و خواندن مطالبی در مورد کارم را دوست دارم؟

۱۷۵ - بیشتر اوقات در تمام وجودم احساس ضعف می کنم؟

۱۷۶ - خیلی کم دچار سردرد می شوم؟

۱۷۷ - از دقت و مهارت دستهایم کاسته نشده است؟

۱۷۸ - گاهی موقع دستپاچه شدن خیس عرق می شوم ، و این موضوع خیلی ناراحتم می کند؟

۱۷۹ - هنگام راه رفتن ، در حفظ تعادل مشکل نداشته ام؟

۱۸۰ - ذهنم خوب کار نمی کند؟

۱۸۱ - من دچار تب یونجه یا حملات آسم نمی شوم؟

۱۸۲ - اوقاتی برایم پیش آمده که در طی آن بر روی حرکات و صحبت کردنم کنترلی نداشته ام ، ولی از آنچه در اطرافم می گذشت ، آگاه بودم؟

۱۸۳ - برخی از افرادی را که می شناسم دوست ندارم؟

۱۸۴ - خیلی کم خیالبافی می کنم؟

۱۸۵ - کاش این قدر خجالتی نبودم؟

۱۸۶ - از سر و کار داشتن با پول نمی ترسم؟

۱۸۷ - اگر خبرنگار بودم ، خیلی دوست داشتم که اخبار مربوط به تناتر را گزارش کنم؟

۱۸۸ - از بسیاری از بازیها و سرگرمیها لذت می برم؟

۱۸۹ - از لاس زدن خوشم می آید؟

۱۹۰ - اطرافیانم با من بیشتر مثل یک بچه رفتار می کنند تا یک فرد بالغ؟

۱۹۱ - دوست دارم روزنامه نگار باشم؟

۱۹۲ - مادرم زن خوبی است ، یا (اگر مادرتان مرده است) مادرم زن خوبی بود؟

۱۹۳ - هنگام قدم زدن خیلی دقت می کنم که پایم را روی شکافهای پیاده رو نگذارم؟

۱۹۴ - هرگز جوشهایی بر روی پوستم نبوده که باعث نگرانیم شود؟

۱۹۵ - در خانواده من ، محبت و همکاری خیلی کمتر از خانواده های دیگر است؟

۱۹۶ - دائما " نگران چیزی هستم؟

۱۹۷ - فکر می کنم کار پیمان کاری ساختمان را دوست داشته باشم؟

۱۹۸ - اغلب صداهایی می شنوم که نمی دانم از کجا می آیند؟

۱۹۹ - من به علم علاقه مندم؟

۲۰۰ - کمک خواستن از دوستان برایم مشکل نیست ، حتی اگر بتوانم این لطف آنها را جبران کنم؟

۲۰۱ - شکار کردن را خیلی دوست دارم؟

۲۰۲ - رفقایم اغلب مورد پسند والدینم نبودند؟

۲۰۳ - گاهی کمی پشت سر دیگران غیبت می کنم؟

۲۰۴ - شنوایی من به خوبی اکثر افراد است؟

۲۰۵ - برخی افراد خانواده ام عاداتی دارند که باعث رنجش و دلخوری من می شود؟

۲۰۶ - بعضی وقتها احساس می کنم که خیلی آسان تصمیم می گیرم؟

۲۰۷ - دوست دارم عضو چند انجمن یا باشگاه باشم؟

۲۰۸ - تقریبا " هیچ وقت طپش قلب یا تنگی نفس نداشته ام؟

۲۰۹ - صحبت درباره مسائل جنسی را دوست دارم؟

۲۱۰ - دیدن جاهایی را که قبلا " ندیده ام دوست دارم؟

۲۱۱ - وظیفه ای به من الهام شده است که تاکنون به دقت آن را دنبال کرده ام؟

۲۱۲ - گاهی مانع کار کسانی شده ام که می خواسته اند آن کار را نه به خاطر اهمیتش ، بلکه به خاطر پیروی از اصول انجام دهند؟

۲۱۳ - زود عصبانی می شوم و زود هم آرام می گیرم؟

۲۱۴ - خانواده ام تقریباً هیچ تسلطی بر روی من نداشته اند؟

۲۱۵ - خیلی غصه می خورم؟

۲۱۶ - کسی سعی می کند چیزی را از من بدزدد؟

۲۱۷ - تقریباً تمام بستگانم مرا درک می کنند؟

۲۱۸ - مواقعی بوده که آن قدر بی قرار بوده ام که نتوانسته ام یک جا بند شوم؟

۲۱۹ - در عشق شکست خورده ام؟

۲۲۰ - هیچ وقت نگران قیافه ام نیستم؟

۲۲۱ - اغلب درباره چیزهایی خواب می بینم که نمی توان درباره آنها با کسی صحبت کرد؟

۲۲۲ - تمام مسائل مهم درباره امور جنسی را باید به بچه ها یاد داد؟

۲۲۳ - فکر می کنم عصبی تر از دیگران نیستم؟

۲۲۴ - من دردی ندارم ، و اگر هم داشته باشم ، بسیار کم است؟

۲۲۵ - کارها را طوری انجام می دهم که دیگران می توانند آن را سوء تعبیر کنند؟

۲۲۶ - گاهی وقتها بدون هیچ دلیلی ، یا حتی در شرایط نامناسب ، احساس خوشی و هیجان زیادی می کنم؟

۲۲۷ - کسانی را که دائماً به فکر پول یا مقام هستند ، سرزنش نمی کنم؟

۲۲۸ - اشخاصی هستند که سعی می کنند افکار و عقاید مرا بدزدند؟

۲۲۹ - مواقعی پیش می آید که گویی مغز من خالی شده است ، بطوری که فعالیتهایم متوقف شده ، و از آنچه در اطرافم می گذرد آگاه نیستم؟

۲۳۰ - با کسانی که می دانم کارشان اشتباه است ، می توانم رفتار دوستانه ای داشته باشم؟

۲۳۱ - دوست دارم بین جمعی از افرادی باشم که مرتب جوک گفته و شوخی می کنند؟

۲۳۲ - گاهی در انتخابات به کسانی رای می دهم که آنها را اصلاً نمی شناسم؟

۲۳۳ - شروع کردن هر کاری برایم دشوار است؟

۲۳۴ - فکر می کنم که یک شخص محکوم هستم؟

۲۳۵ - در مدرسه شاگرد ضعیفی بودم؟

۲۳۶ - اگر هنر مند بودم دوست داشتم گلهای نقاشی کنم؟

۲۳۷ - از این که چندان خوش قیافه نیستم ، زیاد ناراحت نمی شوم؟

۲۳۸ - حتی در هوای خنک زود عرق می کنم؟

۲۳۹ - کاملاً اعتماد به نفس دارم؟

۲۴۰ - گاهی نمی توانم از دزدی ، یا بلند کردن چیزی از مغازه ها خودداری کنم؟

۲۴۱ - بهتر است آدم به کسی اعتماد نکند؟

۲۴۲ - هفته ای یک یا چند بار هیجان زده می شوم؟

۲۴۳ - وقتی در جمع هستم ، نمی توانم مطلب مناسبی برای گفتگو پیدا کنم؟

۲۴۴ - معمولاً هر وقت دلم می‌گیرد ، یک چیز مهیج می‌تواند مرا از آن حالت خارج کند؟

۲۴۵ - وقتی خانه را ترک می‌کنم ، در مورد قفل بودن درها و بسته بودن پنجره‌ها نگران نیستم؟

۲۴۶ - معتقدم که گناهان من غیر قابل بخشش هستند؟

۲۴۷ - یک یا چند قسمت پوستم بی‌حس است؟

۲۴۸ - سوء استفاده از کسی را که خود اجازه چنین کاری را می‌دهد ، بد نمی‌دانم؟

۲۴۹ - بینایی من به خوبی سالهای گذشته است؟

۲۵۰ - گاهی اوقات به قدری از زرنگی بعضی از جنایتکاران خوشم آمده که آرزو کرده‌ام گیر نیفتند؟

۲۵۱ - اغلب احساس می‌کنم که غریبه‌ها به دیده انتقاد آمیز به من نگاه می‌کنند؟

۲۵۲ - برای من مزه همه چیز یکسان است؟

۲۵۳ - من هر روز ، بیش از حد عادی آب می‌خورم؟

۲۵۴ - بیشتر مردم به این علت با کسی دوست می‌شوند که ممکن است این دوستی برایشان مفید باشد؟

۲۵۵ - به ندرت احساس کرده‌ام گوشه‌ایم زنگ بزند یا وزوز کند؟

۲۵۶ - گاهی اوقات از عزیزترین کسان خود هم متنفر می‌شوم؟

۲۵۷ - اگر خبرنگار بودم دوست داشتم اخبار ورزشی را گزارش کنم؟

۲۵۸ - من در طول روز می‌توانم بخوابم ولی شیها قادر به خواب نیستم؟

۲۵۹ - مطمئنم که دیگران پشت سرم راجع به من صحبت می‌کنند؟

۲۶۰ - گاهی به شوخیهای بی‌ادبانه می‌خندم؟

۲۶۱ - در مقایسه با دوستانم ترسهای کمتری دارم؟

۲۶۲ - وقتی در جمعی از من بخواهند بحثی را شروع کنم یا مطلبی را توضیح دهم ، دستپاچه نمی‌شوم؟

۲۶۳ - همیشه وقتی یک جنایتکار به وسیله دفاعیات یک وکیل زرنگ آزاد می‌شود ، از قانون بیزار می‌شوم؟

۲۶۴ - در مصرف مشروبات الکلی افراط کرده‌ام؟

۲۶۵ - تا وقتی کسی با من حرف نزند با او صحبت نمی‌کنم؟

۲۶۶ - هرگز گرفتاری قانونی نداشته‌ام؟

۲۶۷ - اوقاتی بوده که در طی آن به طرز غیر عادی و بدون علت خاصی احساس خوشحالی می‌کردم؟

۲۶۸ - افکار مربوط به امور جنسی آرام می‌دهد؟

۲۶۹ - وقتی چند نفر به دردسر می‌افتند ، بهترین کار این است که داستانی درست کرده و همه به آن بچسبند؟

۲۷۰ - دیدن آزار و اذیت حیوانات باعث ناراحتی من نمی‌شود؟

۲۷۱ - فکر می‌کنم احساساتی‌تر از دیگران هستم؟

۲۷۲ - هرگز در زندگی عروسک بازی را دوست نداشته‌ام؟

۲۷۳ - اغلب اوقات زندگی برآیم رنج آور است؟

۲۷۴ - در مورد بعضی مسائل آن قدر حساسم که نمی‌توانم در موردشان صحبت کنم؟

۲۷۵ - در مدرسه صحبت کردن در مقابل کلاس برایم خیلی مشکل بود؟

۲۷۶ - من مادرم را دوست دارم ، یا (اگر مادرتان مرده است) ، من مادرم را دوست داشتم؟

۲۷۷ - بیشتر وقتها، حتی در کنار دیگران احساس تنهایی می کنم؟

۲۷۸ - دیگران به قدر لازم با من تفاهم دارند؟

۲۷۹ - از شرکت در بازیهایی که خوب بلد نیستم خودداری می کنم؟

۲۸۰ - فکر می کنم می توانم مثل دیگران به آسانی دوست پیدا کنم؟

۲۸۱ - دوست ندارم دیگران دور و برم باشند؟

۲۸۲ - دیگران می گویند که من هنگام خواب راه می روم؟

۲۸۳ - کسی که با سهل انگاری خود دیگران را به دزدیدن اموالش وسوسه می کند ، به اندازه کسی که دزدی کرده ، مقصر است؟

۲۸۴ - فکر می کنم تقریباً " هرکسی برای این که به دردرس نیفتد ، دروغ خواهد گفت؟

۲۸۵ - من حساس تر از اغلب مردم هستم؟

۲۸۶ - اغلب مردم باطنا دوست ندارند که برای کمک به دیگران خود را به دردرس بیندازند؟

۲۸۷ - بیشتر رویا هایم درباره مسائل جنسی است؟

۲۸۸ - پدر و مادر و افراد خانواده ام بیش از حد از من ایراد می گیرند؟

۲۸۹ - خیلی زود دستپاچه می شوم؟

۲۹۰ - درباره پول و کار نگران هستم؟

۲۹۱ - هیچ وقت عاشق کسی نبوده ام؟

۲۹۲ - بعضی از کارهایی که افراد خانواده ام انجام داده اند ، مرا به وحشت انداخته است؟

۲۹۳ - تقریباً " هیچ وقت خواب نمی بینم؟

۲۹۴ - بیشتر اوقات لکه های قرمزی روی گردنم پیدا می شود؟

۲۹۵ - هرگز احساس فلجی یا ضعف غیر طبیعی، در هیچ یک از عضلاتم نداشته ام؟

۲۹۶ - گاهی بدون آن که سرما خورده باشم ، صدایم در نمی آید یا تغییر می کند؟

۲۹۷ - اغلب پدر و مادرم مرا به اطاعت وادار می کردند ، حتی وقتی که من این کار آنها را غیر منطقی می دانستم؟

۲۹۸ - گاهی بوهای ناجوری به مشامم می رسد؟

۲۹۹ - نمی توانم ذهنم را روی یک موضوع متمرکز کنم؟

۳۰۰ - من به دلایلی ، نسبت به یک یا چند نفر از اعضای خانواده ام حسادت می کنم؟

۳۰۱ - تقریباً " همیشه درباره کسی یا چیزی نگران هستم؟

۳۰۲ - خیلی زود حوصله ام از دست دیگران سر می رود؟

۳۰۳ - اغلب آرزو می کنم ای کاش مرده بودم؟

۳۰۴ - گاهی آن قدر هیجان زده می شوم که خوابیدن برایم مشکل می گردد؟

۳۰۵ - من بیشتر از سهم خود در زندگی نگرانی داشته ام؟

۳۰۶ - برای هیچ کس چندان مهم نیست که چه بر سر من می آید؟

۳۰۷ - گاهی آن قدر خوب می شنوم که باعث ناراحتیم می شود؟

۳۰۸ - هرچیزی را که به من می گویند بلافاصله فراموش می کنم؟

۳۰۹ - معمولا" حتی در امور جزئی ، مجبورم که قبل از اقدام صبر کرده و فکر کنم؟

۳۱۰ - وقتی در خیابان آشنایانم را می بینم ، برای اجتناب از روبرو شدن با آنها به طرف دیگر خیابان می روم؟

۳۱۱ - اغلب احساس می کنم چیزهای دور و برم واقعی نیستند؟

۳۱۲ - تنها قسمت جالب نشریات ، بخش فکاهی آنهاست؟

۳۱۳ - عادت دارم که چیزهای بی اهمیت (مانند درختها یا تیرهای چراغ برق) را بشمارم؟

۳۱۴ - دشمنی ندارم که واقعا" بخواهد به من صدمه بزند؟

۳۱۵ - با کسانی که دوستانه تر از حد معمول به نظر می رسند ، با احتیاط رفتار می کنم؟

۳۱۶ - افکار غیر عادی و عجیب و غریبی دارم؟

۳۱۷ - دور شدن از خانه ، حتی برای مسافرت های کوتاه ، مرا مضطرب و ناراحت می کند؟

۳۱۸ - معمولا" انتظار دارم در کارهایی که انجام می دهم ، موفق شوم؟

۳۱۹ - هنگامی که تنها هستم ، چیزهای عجیب و غریبی می شنوم؟

۳۲۰ - گاهی از افراد یا چیزهایی می ترسم که می دانم صدمه ای به من نمی زنند؟

۳۲۱ - از تنها وارد شدن به اتاقی که یک عده در آن مشغول صحبت هستند ، احساس ترس و ناراحتی نمی کنم؟

۳۲۲ - از به کار بردن چاقو یا هر چیز برنده و نوک تیز می ترسم؟

۳۲۳ - گاهی از آزار رساندن به کسی که خیلی دوستش دارم ، لذت می برم؟

۳۲۴ - به آسانی می توانم دیگران را از خودم بترسانم ، و گاهی برای شوخی این کار را می کنم؟

۳۲۵ - برای من تمرکز حواس مشکلتر از دیگران است؟

۳۲۶ - بارها اتفاق افتاده که از انجام کاری منصرف شده ام ، زیرا توانایی انجام آن را در خود ندیده ام؟

۳۲۷ - کلمات بد و خیلی زشتی به ذهنم خطور می کند و نمی توانم از شر آنها خلاص شوم؟

۳۲۸ - گاهی افکار بی اهمیتی به ذهنم هجوم می آورند و تا چند روز مرا ناراحت می کنند؟

۳۲۹ - تقریبا" هر روز چیزهایی اتفاق می افتد که مرا می ترسانند؟

۳۳۰ - گاهی سرشار از انرژی هستم؟

۳۳۱ - معمولا" کارها را سخت می گیرم؟

۳۳۲ - گاهی از آزار دیدن به وسیله کسی که دوستش دارم ، لذت می برم؟

۳۳۳ - مردم درباره من چیزهای زشت و توهین آمیزی می گویند؟

۳۳۴ - در جاهای بسته احساس ناراحتی می کنم؟

۳۳۵ - زیاد خود پسند نیستم؟

۳۳۶ - کسی فکر و ذهن مرا کنترل می کند؟

۳۳۷ - در میهمانیها بیشتر اوقات به جای این که داخل جمع شوم ، ترجیح می دهم تنها یا فقط با یک نفر بنشینم؟

۳۳۸ - بیشتر اوقات رفتار مردم برخلاف انتظار من است؟

۳۳۹ - گاهی احساس کرده ام مشکلاتم آن قدر زیاد شده اند که نمی توانم بر آنها غلبه کنم.؟

۳۴۰ - دید و بازدید از آشنایان را دوست دارم؟

۳۴۱ - گاهی ذهنم کند تر از حد معمول کار می کند؟

۳۴۲ - در اتوبوس ، قطار و غیره ، اغلب با غریبه ها صحبت می کنم؟

۳۴۳ - بچه ها را دوست دارم؟

۳۴۴ - از شرط بندی روی چیزهای کوچک خوشم می آید؟

۳۴۵ - اگر امکاناتی فراهم شود ، می توانم کاری انجام دهم که برای مردم بسیار سودمند باشد؟

۳۴۶ - اغلب به افراد به اصطلاح متخصصی برخورد کرده ام ، که به اندازه من کار بلد نبودند؟

۳۴۷ - وقتی می شنوم یکی از آشنایانم به موفقیتی رسیده است ، احساس شکست می کنم؟

۳۴۸ - اغلب آرزو می کنم ای کاش بچه بودم؟

۳۴۹ - خوش ترین ساعات زندگیم وقتی است که تنها باشم؟

۳۵۰ - اگر به من فرصت دهند ، رهبر خوبی برای مردم می شوم؟

۳۵۱ - از شنیدن داستانها و جوکهای بی ادبانه خجالت می کشم؟

۳۵۲ - معمولا" مردم بیش از آن چه به دیگران احترام می گذارند ، توقع احترام دارند؟

۳۵۳ - از میهمانیها فقط به این دلیل که با مردم هستم لذت می برم؟

۳۵۴ - سعی می کنم داستانهای خوبی را به خاطر بسپارم تا بتوانم به دیگران بازگو کنم؟

۳۵۵ - یک یا چند بار در زندگی احساس کرده ام فردی به وسیله هیپنوتیزم مرا وادار به انجام کارهایی کرده است؟

۳۵۶ - زمانی که مشغول انجام کاری هستم ، نمی توانم حتی برای یک لحظه آن را کنار بگذارم؟

۳۵۷ - اغلب در غیبت کردن و عیب جویی های اطرافیانم شرکت نمی کنم؟

۳۵۸ - اغلب ، دیگران نسبت به فکر های خوب من حسادت می کنند ، فقط به این دلیل که این فکرها قبلا" به ذهن خود آنها نرسیده بود؟

۳۵۹ - از شور و هیجان در یک جمع لذت می برم؟

۳۶۰ - از ملاقات با آدمهای غریبه ناراحت نمی شوم؟

۳۶۱ - کسی سعی دارد روی فکر من تاثیر بگذارد؟

۳۶۲ - یادم می آید گاهی برای خلاص شدن از گرفتاری ، خودم را به مریضی زده ام؟

۳۶۳ - هنگامی که در جمع دوستان شاد و سر زنده هستم ، نگرانیهایم بر طرف می شود؟

۳۶۴ - هنگامی که کاری خوب پیش نمی رود ، دلم می خواهد آن کار را فوراً" کنار بگذارم؟

۳۶۵ - دوست دارم دیگران بدانند من بر کارها مسلط هستم؟

۳۶۶ - مواقعی بوده که به قدری سرشار از انرژی بوده ام که چند روزی نیاز به خواب نداشتم؟

۳۶۷ - هر وقت امکان داشته باشد از حضور در میان جمعیت پرهیز می‌کنم؟

۳۶۸ - از روبرو شدن با گرفتاری یا مشکل شانه خالی می‌کنم؟

۳۶۹ - هنگامی که می‌خواهم کاری انجام دهم و دیگران می‌گویند که ارزش انجام دادن ندارد ، آن را کنار می‌گذارم؟

۳۷۰ - میهمانها و اجتماعات را دوست دارم؟

۳۷۱ - اغلب آرزو می‌کنم که ای کاش از جنس مخالف بودم؟

۳۷۲ - زود عصبانی نمی‌شوم؟

۳۷۳ - در گذشته کارهای زشتی انجام داده‌ام که هرگز درباره آنها با کسی صحبت نکرده‌ام؟

۳۷۴ - اغلب مردم برای پیشرفت در زندگی ، تا حدی از روشهای غیرعادلانه استفاده می‌کنند؟

۳۷۵ - هنگامی که دیگران سوالات خصوصی از من می‌پرسند ، عصبی می‌شوم؟

۳۷۶ - فکر می‌کنم نمی‌توانم برای آینده‌ام برنامه ریزی کنم؟

۳۷۷ - از خودم ، با وضع و حالی که فعلاً دارم ، راضی نیستم؟

۳۷۸ - زمانی که خانواده دوستانم در مورد زندگیم مرا نصیحت می‌کنند ، عصبانی می‌شوم؟

۳۷۹ - در بچگی زیاد تنبیه بدنی شده‌ام؟

۳۸۰ - هنگامی که دیگران از من تعریف می‌کنند ، ناراحت می‌شوم؟

۳۸۱ - دوست ندارم نظر دیگران را در مورد زندگی بشنوم؟

۳۸۲ - اغلب ، با افرادی که به من نزدیک هستند ، اختلاف نظر جدی دارم؟

۳۸۳ - وقتی که واقعا کارها بد پیش می‌رود ، می‌دانم که می‌توانم روی کمک خانواده‌ام حساب کنم؟

۳۸۴ - در بچگی میهمان بازی را دوست داشتیم؟

۳۸۵ - از آتش نمی‌ترسم؟

۳۸۶ - گاهی از سایرین دوری می‌کنم ، چون می‌ترسم پیش آنها کاری بکنم یا حرفی بزنم که بعداً پشیمان شوم؟

۳۸۷ - من گاهی مشروب می‌خورم ، و فقط در این مواقع است که می‌توانم احساس واقعیم را بیان کنم؟

۳۸۸ - خیلی کم دوره‌های غمگینی داشته‌ام؟

۳۸۹ - اغلب می‌گویند که من آدم جوشی و تند خویی هستم؟

۳۹۰ - از این که در گذشته بعضی حرفهایم ممکن است دیگران را رنجانده باشد ، ناراحتم؟

۳۹۱ - احساس می‌کنم نمی‌توانم همه چیزها را درباره خودم به کسی بگویم؟

۳۹۲ - رعد و برق یکی از چیزهایی است که از آن می‌ترسم؟

۳۹۳ - دوست دارم مردم را درباره کارهای بعدیم در حال حدس و گمان نگه دارم؟

۳۹۴ - اغلب نقشه‌هایی که در گذشته کشیده‌ام ، آن قدر پر اشکال بوده که مجبور شده‌ام از آنها صرف نظر کنم؟

۳۹۵ - از تنها ماندن در تاریکی می‌ترسم؟

۳۹۶ - اغلب اوقات وقتی خواستم جلوی اشتباه کسی را بگیرم ، نگران این بوده‌ام که مبادا فکر کند نیت بدی دارم؟

۳۹۷ - طوفان مرا به وحشت می‌اندازد؟

۳۹۸ - اغلب از دیگران راهنمایی می‌خواهم؟

۳۹۹ - آینده هر فرد نامطمئن‌تر از آن است که بتواند برای آن نقشه‌های جدی در نظر بگیرد؟

۴۰۰ - اغلب اوقات حتی زمانی که همه چیز خوب پیش می‌رود ، احساس می‌کنم هیچ چیز برایم مهم نیست؟

۴۰۱ - از آب نمی‌ترسم؟

۴۰۲ - اغلب برای تصمیم‌گیری در مورد کاری باید مدتهای طولانی روی آن فکر کنم؟

۴۰۳ - وقتی خواسته‌ام به کسی خوبی کرده و کمکش کنم ، اغلب در مورد نیت من دچار سوء تفاهم شده است؟

۴۰۴ - مشکلی در بلعیدن ندارم؟

۴۰۵ - معمولا "آرام هستم و به آسانی عصبانی نمی‌شوم؟

۴۰۶ - مطمئنا "از ضربه زدن به مجرمین ، به شیوه خودشان ، لذت خواهم برد؟

۴۰۷ - به دلیل گناهایی که مرتکب شده‌ام ، سزاوار مجازات سختی هستم؟

۴۰۸ - از شکستها چنان ناراحت می‌شوم که نمی‌توانم آنها را از ذهنم بیرون کنم؟

۴۰۹ - از این که هنگام کار کردن کسی مرا نگاه کند ناراحت می‌شوم ، حتی زمانی که می‌دانم می‌توانم آن کار را به خوبی انجام دهم؟

۴۱۰ - اگر کسی در صف از من جلو بزند ، آن قدر ناراحت می‌شوم که به او اعتراض می‌کنم؟

۴۱۱ - گاهی فکر می‌کنم به درد هیچ کاری نمی‌خورم؟

۴۱۲ - در دوران مدرسه ، اغلب غیبت می‌کردم؟

۴۱۳ - یک یا چند نفر از افراد خانواده‌ام ، آدمهایی بسیار عصبی هستند؟

۴۱۴ - گاهی مجبور شده‌ام با افراد گستاخ و مزاحم رفتار خشنی داشته باشم؟

۴۱۵ - درباره بدبختیهای احتمالی آینده نگرانم؟

۴۱۶ - عقاید سیاسی محکمی دارم؟

۴۱۷ - دوست دارم در مسابقات اتومبیل رانی شرکت کنم؟

۴۱۸ - استفاده از حقه‌های قانونی ، به شرط آن که منجر به قانون شکنی نشود ، اشکالی ندارد؟

۴۱۹ - عده ای هستند که من از آنها آن قدر متنفرم که وقتی رفتاری برایشان پیش می‌آید ، عمیقا "خوشحال می‌شوم؟

۴۲۰ - انتظار کشیدن مرا عصبانی می‌کند؟

۴۲۱ - اگر دیگران فکر کنند که من کاری را درست انجام نمی‌دهم ، آن کار را کنار می‌گذارم؟

۴۲۲ - کوچکتر که بودم ، شیفته شور و هیجان بودم؟

۴۲۳ - برای غلبه بر رقیب خود ، حاضرم هر کاری بکنم؟

۴۲۴ - از این که مردم در خیابان، فروشگاه و ... مرا نگاه کنند ناراحت می‌شوم؟

۴۲۵ - مردی که در دوران کودکی از من نگهداری می‌کرد (مانند پدر یا ناپدری) نسبت به من خیلی سخت گیر بود؟

۴۲۶ - لی لی و طناب بازی را دوست داشتم؟

۴۲۷ - تا بحال هرگز یک شیخ ندیده‌ام؟

۴۲۸ - تاکنون چندین بار نظرم را درباره شغل دائمی خود تغییر داده ام؟

۴۲۹ - هرگز بدون تجویز پزشک ، دارو یا قرص خواب آور مصرف نمی کنم؟

۴۳۰ - اغلب از این که بد اخلاق و زود رنج هستم تاسف می خورم؟

۴۳۱ - در مدرسه همیشه نمره انضباطم بد بود؟

۴۳۲ - من شیفته آتش هستم؟

۴۳۳ - هنگامی که مجبور باشم ، تنها آن قسمت از حقیقت را می گویم که برای خودم ضرری نداشته باشد؟

۴۳۴ - اگر من با چند تن از دوستانم دچار گرفتاری می شدیم ، و همه به یک اندازه مقصر بودیم ، ترجیح می دادم که همه تقصیرها را خودم بر عهده بگیرم ، اما دوستانم را لو ندهم؟

۴۳۵ - اغلب اوقات از تاریکی می ترسم؟

۴۳۶ - هنگامی که مردی زنی را ملاقات می کند ، معمولا" به جنبه های جنسی زن فکر می کند؟

۴۳۷ - معمولا" با افرادی که می خواهم آنها را راهنمایی یا اصلاح کنم ، بسیار رک هستم؟

۴۳۸ - از تصور وقوع یک زمین لرزه به وحشت می افتم؟

۴۳۹ - بلافاصله یک نظر یا فکر خوب را صد در صد قبول می کنم؟

۴۴۰ - معمولا" به جای راهنمایی خواستن از دیگران ترجیح می دهم خودم کارها را حل و فصل کنم؟

۴۴۱ - از این که در محل در بسته و یا جایی شبیه انباری باشم ، می ترسم؟

۴۴۲ - باید قبول کنم که گاهی بی دلیل درباره چیزهایی واقعا" بی اهمیت نگران شده ام؟

۴۴۳ - هرگز نظر بد یا احساس ترحم خودم را نسبت به دیگران پنهان نمی کنم ، ولو آن که از من برنجد؟

۴۴۴ - من آدم بسیار حساسی هستم؟

۴۴۵ - غالبا" زیر دست کسانی کار کرده ام که کارها را طوری جور می کنند که امتیازها نصیب خودشان شود ، اما بتوانند اشتباهات را به گردن زیر دستان خود بیاندازند؟

۴۴۶ - چون آدم کمرویی هستم ، گاهی دفاع از حقم برایم سخت است؟

۴۴۷ - از دیدن زباله منزجر و یا وحشتزده می شوم؟

۴۴۸ - در عالم رویا برای خود یک زندگی خیالی ساخته ام ، که در باره آن با دیگران حرف نمی زنم؟

۴۴۹ - بعضی از افراد خانواده ام تند خو هستند؟

۴۵۰ - نمی توانم هیچ کاری را خوب انجام دهم؟

۴۵۱ - از این که اغلب اوقات احساس تاسفم را بیش از آنچه واقعا" هست نشان می دهم ، احساس گناه می کنم؟

۴۵۲ - معمولا" قاطعانه از عقاید خودم دفاع می کنم؟

۴۵۳ - از عنکبوت نمی ترسم؟

۴۵۴ - به آینده امیدی ندارم؟

۴۵۵ - اعضای خانواده و بستگان نزدیکم روابط خوبی با هم دارند؟

۴۵۶ - دوست دارم لباسهای گران قیمت بپوشم؟

۴۵۷ - حتی وقتی در مورد موضوعی تصمیم گرفته ام ، دیگران می توانند نظرم را به آسانی تغییر دهند؟

۴۵۸ - از دیدن بعضی حیوانات ناراحت می شوم؟

۴۵۹ - می توانم به اندازه دیگران درد را تحمل کنم؟

۴۶۰ - چندین بار من آخرین نفری بوده ام که از تلاش برای انجام کاری دست کشیده ام؟

۴۶۱ - از این که دیگران مرا وادار به عجله کنند ، عصبانی می شوم؟

۴۶۲ - از موش نمی ترسم؟

۴۶۳ - هفته ای چند بار احساس می کنم که گویی اتفاق خطرناکی در حال وقوع است؟

۴۶۴ - اغلب اوقات احساس خستگی می کنم؟

۴۶۵ - تعمیر کردن قفل درب را دوست دارم؟

۴۶۶ - گاهی مطمئنم که دیگران می توانند افکارم را بخوانند؟

۴۶۷ - دوست دارم مطالب علمی بخوانم؟

۴۶۸ - از تنها بودن در یک مکان وسیع و سرباز می ترسم؟

۴۶۹ - گاهی احساس می کنم که دارم متلاشی می شوم؟

۴۷۰ - تعداد زیادی از مردم مرتکب رفتارهای جنسی ناپسند می شوند؟

۴۷۱ - بارها در اواسط شب وحشت زده شده ام؟

۴۷۲ - از این که فراموش کنم اشیاء را کجا گذاشته ام ، بسیار ناراحت می شوم؟

۴۷۳ - کسی که در بچگی بیش از همه به او دلبسته بودم و بیشتر از هرکس دیگری او را تحسین می کردم ، یک زن بود (مادر ، خواهر ، عمه ، یا زن دیگری)؟

۴۷۴ - داستانهای ماجراجویانه را بیشتر از داستانهای عشقی دوست دارم؟

۴۷۵ - اغلب گیج شده و فراموش می کنم که چه می خواستم بگویم؟

۴۷۶ - من آدم بسیار دست و پا چلفتی هستم؟

۴۷۷ - انجام ورزشهای خشن (مثل بوکس) را واقعا" دوست دارم؟

۴۷۸ - از همه اعضاء خانواده ام متنفرم؟

۴۷۹ - بعضی ها فکر می کنند که شناختن من مشکل است؟

۴۸۰ - بیشتر اوقات فراموشم را به تنهایی می گذرانم؟

۴۸۱ - وقتی دیگران کاری می کنند که باعث خشم من می شود ، نارضایتی خودم را نسبت به کارشان بیان می کنم؟

۴۸۲ - معمولا" تصمیم گیری برابم سخت است؟

۴۸۳ - مردم مرا آدم جذابی نمی دانند؟

۴۸۴ - مردم با من خیلی مهربان نیستند؟

۴۸۵ - اغلب احساس می کنم که به خوبی دیگران نیستم؟

۴۸۶ – من خیلی لجوج هستم؟

۴۸۷ – مصرف حشیش بر ایمن لذت بخش بوده است؟

۴۸۸ – بیماری روانی نشانه ضعف فرد است؟

۴۸۹ – من گرفتار مواد مخدر یا الکل هستم؟

۴۹۰ – ارواح یا اشیاء می توانند مردم را در جهت خوب یا بد تحت تاثیر قرار دهند؟

۴۹۱ – وقتی مجبورم تصمیمات مهمی بگیرم ، احساس در ماندگی می کنم؟

۴۹۲ – همیشه سعی می کنم خوشحال باشم ، حتی زمانی که دیگران ناراحت هستند یا ایراد می گیرند؟

۴۹۳ – هنگامی که با مشکلی مواجه می شوم ، در میان گذاشتن آن با دیگران کمک می کند؟

۴۹۴ – به اهداف اصلی خود در زندگی رسیده ام؟

۴۹۵ – معتقدم که مردم باید مشکلات شخصیشان را برای خود نگه دارند؟

۴۹۶ – این روزها احساس فشار یا استرس زیادی نمی کنم؟

۴۹۷ – فکر این که تغییراتی در زندگی بدهم ، ناراحت می کند؟

۴۹۸ – بزرگترین مشکل من ناشی از رفتار یکی از نزدیکترین کسانم است؟

۴۹۹ – از رفتن به دکتر متنفرم ، حتی موقعی که مریض هستم؟

۵۰۰ – با این که از زندگی راضی نیستم ، اما در این مورد کاری از دستم بر نمی آید؟

۵۰۱ – برای کاهش مشکلات و نگرانیها ، صحبت کردن با دیگران مفید تر از دارو خوردن است؟

۵۰۲ – من عاداتی واقعا "زیانباری دارم؟

۵۰۳ – مواقعی که مشکلاتی پیش می آید، ترجیح می دهم که دیگران به حل آن بپردازند؟

۵۰۴ – معایبی دارم که نمی توانم آنها را از بین ببرم؟

۵۰۵ – کارهای روزمره زندگی آن قدر حالم را به هم می زند که دلم می خواهد همه آنها را رها کنم؟

۵۰۶ – تازگیها به فکر خودکشی افتاده ام؟

۵۰۷ – هنگامی که دیگران مزاحم کارم می شوند ، اغلب بسیار بد اخلاق می شوم؟

۵۰۸ – اغلب احساس می کنم که می توانم فکر دیگران را بخوانم؟

۵۰۹ – در مواقعی که مجبورم تصمیمات مهمی بگیرم ،عصبانی می شوم؟

۵۱۰ – دیگران می گویند که من خیلی تند غذا می خورم؟

۵۱۱ – هفته ای یک بار یا بیشتر مست یا نشنه می شوم؟

۵۱۲ – کسی یا چیز پر ارزشی را از دست داده ام که هرگز آن را فراموش نخواهم کرد؟

۵۱۳ – گاهی آن قدر خشمگین و ناراحت می شوم که حال خودم را نمی فهمم؟

۵۱۴ – قبول نکردن کاری که دیگران از من می خواهند برایم مشکل است؟

۵۱۵ – خوشترین اوقات من زمانی است که تنها هستم؟

۵۱۶ – زندگی پوچ و بی معنی است؟

۵۱۷ - نمی توانم در شغلی برای مدت طولانی بمانم؟

۵۱۸ - در زندگی اشتباهات زیادی داشته ام؟

۵۱۹ - از این که در برابر دیگران زیاد تسلیم می شوم ، ناراحتم؟

۵۲۰ - تازگیها درباره خودکشی زیاد فکر می کنم؟

۵۲۱ - تصمیم گیری به جای دیگران و تعیین شغل برای آنها را دوست دارم؟

۵۲۲ - حتی اگر خانواده ام نباشد ، می دانم که همیشه کسی از من مراقبت خواهد کرد؟

۵۲۳ - از ایستادن در صف جاهایی مانند سینما ، رستوران ، مکانهای ورزشی و ... متنفرم؟

۵۲۴ - من سعی کرده ام خود را بکشم ، اما هیچ کس این موضوع را نمی داند؟

۵۲۵ - همه چیز در اطرافم بسیار سریع می گذرد؟

۵۲۶ - می دانم که سربار دیگران هستم؟

۵۲۷ - بعد از یک روز بد ، معمولاً به مشروب نیاز دارم؟

۵۲۸ - بیشتر مشکلات من از بد شانسی است؟

۵۲۹ - گاهی به نظر می رسد که نمی توانم حرف زدندم را قطع کنم؟

۵۳۰ - گاهی بدون این که علتش را بدانم ، عمداً خودم را زخمی می کنم؟

۵۳۱ - من ساعتهای طولانی کار می کنم ، حتی اگر شغلم ایجاب نکند؟

۵۳۲ - معمولاً پس از این که خوب گریه می کنم ، احساس می کنم که حالم بهتر شده است؟

۵۳۳ - فراموش می کنم که چیزها را کجا می گذارم؟

۵۳۴ - اگر می توانستم دوباره زندگی کنم ، تغییر زیادی در آن نمی دادم؟

۵۳۵ - اگر افرادی که به آنها اعتماد کرده ام کارهایشان را سر وقت انجام ندهند ، بسیار کج خلق می شوم؟

۵۳۶ - به دنبال هر ناراحتی ، سردرد می گیرم؟

۵۳۷ - از انجام دادن معامله ای که در آن به طرف مقابل کلک بزنم ، خوشم می آید؟

۵۳۸ - بیشتر مردها هر چند وقت یک بار به همسرشان خیانت می کنند؟

۵۳۹ - اخیراً نسبت به حل مشکلاتم بی علاقه شده ام؟

۵۴۰ - یک بار به دنبال مشروب خوردن ، عصبانی شده و ظروف و اثاثیه را شکسته ام؟

۵۴۱ - اگر برای انجام کاری محدودیت زمانی داشته باشم ، آن را بهتر انجام می دهم؟

۵۴۲ - یک بار تا آنجا از دست دیگران عصبانی شدم که احساس کردم دارم منفجر می شوم؟

۵۴۳ - گاهی افکار وحشتناکی در مورد خانواده ام به ذهنم می آید؟

۵۴۴ - دیگران می گویند که من به مشروب معتاد هستم ، اما خودم موافق نیستم؟

۵۴۵ - برای انجام کارهایم همیشه وقت کم می آورم؟

۵۴۶ - این روزها دائماً به مرگ و زندگی پس از آن فکر می کنم؟

۵۴۷ - بیشتر اوقات چیزهایی را هم که ممکن است هرگز به درد نخورد ، نگه می دارم؟

۵۴۸ - گاهی آن قدر عصبانی شده ام که در حین دعوا به کسی صدمه زده ام؟

۵۴۹ - اخیراً احساس می‌کنم در هر کاری که انجام می‌دهم مورد آزمایش قرار می‌گیرم؟

۵۵۰ - در حال حاضر ارتباط زیادی با بستگانم ندارم؟

۵۵۱ - گاهی به نظرم می‌رسد افکارم را که با صدای بلند بیان می‌شوند ، می‌شنوم؟

۵۵۲ - هنگامی که غمگین هستم ، معمولاً با دیدار دوستانم ناراحتیم از بین می‌رود؟

۵۵۳ - به نظر می‌رسد هرچه که الان برایم رخ می‌دهد ، قبلاً نیز برایم رخ داده است؟

۵۵۴ - هر وقت زندگی برایم سخت می‌شود ، جز تسلیم چاره ای نمی‌بینم؟

۵۵۵ - حتی در خانه خودم ، به تنهایی نمی‌توانم به یک اتاق تاریک بروم؟

۵۵۶ - فکر پول و درآمد ذهنم را خیلی به خود مشغول کرده است؟

۵۵۷ - مرد باید رییس خانواده باشد؟

۵۵۸ - فقط در خانه خودم احساس آرامش می‌کنم؟

۵۵۹ - افرادی که با آنها کار می‌کنم ، مشکلات مرا درک نمی‌کنند؟

۵۶۰ - از درآمدم راضی هستم؟

۵۶۱ - معمولاً برای انجام کارهایم انرژی کافی دارم؟

۵۶۲ - تعریف و تمجید دیگران از من ، ناراحتی می‌کند؟

۵۶۳ - در اغلب ازدواجها ، یک یا هر دو طرف ناخشنودند؟

۵۶۴ - تقریباً هیچ وقت کنترل خود را از دست نمی‌دهم؟

۵۶۵ - این روزها به خاطر سپردن گفته های دیگران برایم مشکل است؟

۵۶۶ - غمگینی یا ناراحتی به کارم لطمه می‌زند؟

۵۶۷ - بیشتر زوجهای متاهل نسبت به هم علاقه زیادی نشان نمی‌دهند؟